قصه‌ها

اذا زلزلت الأرض زلزالها

مریم پیمان

● «ما خوبیم. اما همسایه‌مان...»؛ صدایش از پشت تلفن می‌لرزد. لهجه غلیظ کُردی ثریا در گوش‌هایم پژواک دارد. برایم می‌گوید که وقتی زمین لرزید، کوچک‌ترین عضو خانواده با فریاد به کوچه رفت. روستای چالاربکر شهرستان اسلام‌آباد غرب لرزید و چند خانه آوار شد بر سر ساکنانش و غمش بر دل ما. دستان کوچک جواد و علیرضا خاک‌ها را با شتاب کنار زدند و در تاریکی غروب خونین پاییزی همسایگان را از زیر آوار بیرون آوردند و در کنار دیگر هم‌روستایی‌هایشان مصدومان را به شهر رساندند. چشمانم را با ترس می‌بندم؛ خاله پیر و رنجور چهار یتیم ثریا از پشت تلفن اشک می‌ریزد و خاطره دو سال گذشته را به یادم می‌آورد؛ همان شهریوری که فهمیدم خانه گِلی و فرسوده بدون هیچ زمین‌لرزه‌ای بر سر فرزندان ثریا آوار شده است. هنوز دو سال هم از فوت ناگهانی پدر خانه نمی‌گذشت که غم آوارگی به غربت تنهایی اضافه شد. وقتی رسیدیم، از خانه هیچ نمانده بود، جز تپه‌ای خاک. همه وسایل را احمدرضا و علیرضا بیرون کشیده بودند و کنار دیوار چیده. ثریا گریه می‌کرد و جواد حیران بود. محمدرضا، مرد شکسته خانه بود که باید راهی دانشگاه ملایر می‌شد، اما ایستاده و زیر چتر آسمان خیسِ خیس شده بود. هنوز به اسلام‌آباد نرسیده بودیم که راننده جاده‌های فرعی جنگل‌های خشک و تُنُک بلوط را پیمود و ما را به آنها رساند. شهریور سرد بود و باران سرمای ناامیدی را در دل همه ما تشدید می‌کرد. حتی یکی از همسایگان هم دستی به کمک نگشوده بود و ثریا به‌همراه خواهرش و فرزندانش زیر باران مانده بودند. پاهایم سست شدند. روی سنگ خیسی نشستم. هیچ توانی برای دلداری نداشتم. جواد برایم آب آورد. هِق‌هِقم به آسمان رفت. بی‌هیچ کلامی خواهر نداشته چهار مرد خانه ثریا شدم. یکی از همسایه‌ها آمد. دست‌به‌کار شد و همه وسایل را در خانه‌اش جا داد. امید به چشمان پر از سکوت همه ما بازگشت. قرار گذاشتیم خانه را تا قبل از زمستان بسازیم و ساختیم. دختر همسایه چای میهمانمان کرد. چای تلخی شیرین‌تر از شکر. انگارنه‌انگار ساعتی پیش لشکر شکست‌خورده آواره کوچه بودیم. حالا خانواده ثریا زیر سقف همسایه با ما ازخودراضی‌های تهرانی که برای کمک آمده بودیم، یکی شده بودیم؛ یک خانواده شاد و امیدوار. خانه گرم بود مثل دل همه ما از بودن یکدیگر، اما یک شب رسید که دل همه ما لرزید و خانه ثریا نلرزید. صورت خیس جواد، احمدرضا و حمیدرضا جلوی چشمانم رژه می‌رود. تا مرد همسایه از زیر آوار بیرون بیاید، دل همه ما هزار راه رفت. یاد لبخند شریف او از ذهنم دور نمی‌شود، وقتی در پاسخم گفت: «تو از تهران آمدی کمک همسایه من، من چرا کمک نکنم؟!» و دستش را دراز کرد و وسایل را به داخل خانه‌اش برد. تلفن قطع نشده بود. چشمانم را بستم و آرام خدای نادیده را بارها صدا کردم. جواد فریاد زد؛ «زنده است!» صدایش در دِه، در خانه و در گوشم پیچید. «چه فریاد امیدوارانه‌ای از شادی!». باید بستری شود و قرار است پسران ثریا از او مراقبت کنند.

واکنش به گزارش «شرق» درباره محصولات تراریخته

هم‌گرایی دولت و شورای ملی ایمنی زیستی

عکس: خبرگزاری موج

سمیرا کهک*: به گزارش روزنامه «شرق» (۹۶/۸/۱۶) جلسه اخیر شورای ایمنی زیستی در بالاترین سطح به ریاست معاون اول رئیس‌جمهور و حضور ریاست سازمان حفظ محیط زیست و وزرای جهاد کشاورزی و علوم، تحقیقات و فناوری و معاون وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و مرجع ملی ایمنی زیستی و نماینده کمیسیون بهداشت مجلس شورای اسلامی در این شورا تشکیل شد. به‌نظر می‌رسد تشکیل چنین جلسه‌ای در این سطح نشانه اهمیتی است که دولت دوازدهم برای سامان‌دهی بیشتر مؤلفه‌های تأثیرگذار بر سلامت و امنیت زیستی جامعه قائل است. روزنامه «شرق» در پی ارائه مفاد و محورهای این جلسه که به‌طور عمده برای تبیین استفاده مسئولانه از محصولات تراریخته به دلایل برتری کیفی و سلامت بیشتر این محصولات بوده است، مصاحبه‌ای نیز با یکی از اعضای انجمن (غیرعلمی) صنفی ارگانیک نیز انجام داده است. وی که خود نمایندگی شرکت تولید و فروش سموم شیمیایی «زدای» فرانسه در خاورمیانه را بر عهده داشته و واردکننده مواد شیمیایی رنگ‌آوری پرتقال‌های نارس و فروش آن به‌عنوان پرتقال رسیده را در سایت رسمی شرکت تجاری خود عنوان کرده است، مدت‌هاست در طیفی از رسانه‌ها و خبرگزاری‌های خاص و از جمله صداوسیما در نقد سیاست‌های مدیریت کشاورزی کشور و نیز مخالفت با محصولات تراریخته شناخته می‌شود. شناختی که ایشان را به‌عنوان واردکننده مواد شیمیایی رنگ‌آمیزی پرتقال‌های نارس (به نمایندگی از یک شرکت فرانسوی) و چه بسا افزون‌کننده سونامی سرطان در تناقضی شگفت‌انگیز در ذهن مخاطبان قرار می‌دهد. لازم می‌دانم مواردی را درباره گزارش منتشرشده در روزنامه وزین «شرق» و این مصاحبه ارائه کنم.

اساسا شورای ملی ایمنی زیستی برای هدایت و هماهنگ‌کردن سیاست‌های راهبردی کشور برای تضمین بهره‌برداری مسئولانه از فناوری زیستی جدید (مهندسی ژنتیک و فراورده آن تراریخته) تشکیل شده است. آنچه البته این شورا را در گذشته از یک مرجع عالی پاسخ‌گو کاهش داده بود، نگاه ناهمسوی مدیریت سابق سازمان حفظ محیط زیست در ترکیب اعضای این شورا نسبت به مسائل مختلف و از جمله محصولات تراریخته بوده است. این مواضع پرسش‌آمیز با محصولات تراریخته تا آنجا پیش رفت که خبرگزاری تسنیم با اطلاق صفت «ابتکار؛ تنها «مرد» کابینه، در برابر تجارت بی‌ضابطه تراریخته» ایشان را مورد تشویق قرار داد. توصیفی که اتفاقا موجب وهن جایگاه ارزشمند زنان جامعه می‌تواند تلقی شود. اکنون هم باید پرسید که چطور مسئول ارتقای زنان جامعه ما در برابر چنین تحسین توهین‌آمیزی واکنشی از خود نشان نداد؟ چنین تأییدی نشانه دیدگاهی هم بود که در دولت یازدهم گویی جز مدیر سازمان حفظ محیط زیستش تماما در جهت گسترش بیماری‌های صعب‌العلاج (به‌زعم آنان) و همکاری با بنیادهای امپریالیستی قدم برمی‌دارند! نکته دیگری که با عنایت به این گزارش باید مورد تأکید قرار گیرد این است که برداشتن موانع برای توسعه فراورده‌های ایمن مهندسی ژنتیک قطعا به معنی نفی نظارت وزارتخانه‌های بهداشت و درمان و آموزش پزشکی، جهاد کشاورزی و نیز سازمان حفظ محیط زیست و در نهایت مرجع عالی ایمنی زیستی و به‌صورتی بی‌قیدوشرط برای هر محصولی به نام تراریخته نخواهد بود. اساسا با وجود اجماع مراجع ذی‌صلاح یادشده و نیز کنش فعال انجمن‌های علمی هرگونه ادعای زیان‌باربودن این فراورده‌ها که در ۲۰ سال گذشته از طریق واردات در سبد غذایی مردم کشورمان قرار داشته، ادعایی واهی به‌شمار می‌آید. حیرت‌انگیزتر آنکه معترضان امروز، در مقابل واردات میلیاردی این نوع محصولات تاکنون سکوت کرده بودند؛ آنچه یک مرجع ملی هماهنگ به‌عنوان ضوابط خود در نظر خواهد گرفت چه‌بسا با نگرانی‌های دلسوزان واقعی در این سوی جریان نیز تاکنون همسویی داشته است. اما تاکیدات این نماینده کمپانی «زدای» فرانسه در این مصاحبه از جنس آن دغدغه‌های مشترک به‌نظر نمی‌رسد.

اینکه ایشان بر اساس مصاحبه‌های متعدد مدعی شده‌اند که در عرصه تولید محصولات ارگانیک یک کارآفرین و عضو هیئت رئیسه انجمن منتسب به آن هستند، بهتر است به ده‌ها پرسش و حلقه‌های مفقوده در زمینه چگونگی مبهم تولید و روش محصولات ارگانیک، اعطای بدون مجوز نشان ارگانیک، فقدان نهادهای نظارتی دقیق برای درستی و رعایت استانداردها پاسخ دهند. آنها باید برای توجیه پسوند بی‌کنترل «ارگانیک» که برای فراورده‌های خود زده و سودهای سرشار می‌برند نیز به مردم و دستگاه‌های اجرائی پاسخ‌گو باشند. تا کی باید در فضای ایجاد ترس از فناوری‌های نو و بیماری‌های خطرناک تجارت و معیشت کرد؟ اما با نگاهی به مواضع و مصاحبه‌های در طیف گوناگون (به‌ویژه تعارض ادعاها با تجارت سموم) نوعی سردرگمی نسبت به مهارت نام‌برده و همراهان ایجاد می‌شود. ایشان از نقد راهبرد خودکفایی گندم گرفته تا مخالفت بی‌قیدوشرط با محصولات تراریخته و گسترش بیماری‌های سرطان سینه و... اظهارنظر کرده‌اند تا در نهایت تجارت خود را رونق بخشند.

شورای ملی ایمنی زیستی برای هدایت و هماهنگ‌کردن سیاست‌های راهبردی کشور برای تضمین بهره‌برداری مسئولانه از فناوری زیستی جدید تشکیل شده است. آنچه البته این شورا را در گذشته از یک مرجع عالی پاسخ‌گو کاهش داده بود، نگاه ناهمسوی مدیریت سابق سازمان حفظ محیط زیست در ترکیب اعضای این شورا نسبت به مسائل مختلف و از جمله محصولات تراریخته بوده است

از شگفتی‌های این مصاحبه اصرار بر وجود فضای اختناق و به عبارتی سرکوب مخالفان تولید تجاری محصولات تراریخته در دستگاه‌های اجرائی است! در این خصوص اظهار می‌کنند: «دانشمندان و مدیرانی که از آنها به‌عنوان مدافعان واردات و تولید تراریخته یاد می‌شود، در کل تعدادشان به ۴۰۰ نفر هم نمی‌رسد، ما فقط در وزارت کشاورزی هفت هزار محقق و عضو هیئت علمی داریم و به تعداد بیشتر دانشگاهیان دانشکده‌های پزشکی، زیست‌شناسی، کشاورزی و...! در صورتی که در وزارتخانه جهاد کشاورزی شاید تعداد کل مدافعان تولید انبوه و واردات محصولات تراریخته به ۲۰۰ نفر هم نرسد. نمی‌توان این‌گونه نتیجه‌گیری کرد آن افرادی که اعلام موضع نمی‌کنند، یقینا مدافع محصولات کشاورزی تراریخته هستند، منتها چون فضا به‌گونه‌ای نیست که بتوانند به‌راحتی اظهارنظر کنند، ترجیحشان این است که سکوت اختیار کنند یا در ظاهر موضع ممتنع می‌گیرند...». وی این ادعاها را بدون اشاره به اینکه بالعکس، پیش‌کسوت‌ترین دانشمندان سرشناس جهانی تولید برنج تراریخته در سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲ را بیش از ۱۰ بار به دادگاه کشانده و پنج مرتبه به دلیل فعالیت‌های پژوهشی او را اخراج کردند، مطرح کرد. او به حمایت محققان که با وجود تهدید برخی و صهیونیست‌نامیدن موافقان تولید ملی مبتنی بر فناوری و امنیتی‌کردن موضوع شجاعت ابراز عقیده داشته و همچنان بر کاهش واردات و ضرورت تولید ملی محصولات تراریخته پافشاری می‌کنند، نیز اشاره‌ای نکرد. معلوم نیست این عضو انجمن ارگانیک واقعا چرا امثال ایشان تصور می‌کند که دفاع یا مخالفت با محصول تراریخته باید با کمیت و تعداد طرفداران مورد ارزیابی قرار گیرد؟ اینکه هواداران تنها در حد ۲۰۰ یا ۴۰۰ نفرند و ایشان ناگزیر می‌شود که برای تقلیل موافقان و افزودن به لشکر مخالفان از سوکت‌کننده‌ها کمک بگیرد، بسیار جای تعجب است. برای تنویر افکار مردم شریف به استحضار می‌رساند که تنها در یکی از مکاتباتی که به‌تازگی در حمایت از تولید ملی محصولات تراریخته انجام شده است، امضای بیش از ۵۴۵ نفر استادتمام دانشگاه‌ها و رؤسای مراکز پژوهشی، پژوهشگاه‌ها، انجمن‌های علمی و پژوهشگران و افراد حقوقی دیده می‌شود. برخی از این انجمن‌ها صدها نفر عضو متخصص دارند. در قطع‌نامه‌های کنگره‌های علمی کشور که با حضور هزاران نفر در مدت ۲۰ سال گذشته برگزار شده است، حمایت از تولید ملی محصولات تراریخته یک بند دائمی است که مؤید برداشت غلط یا خدای‌نکرده مغرضانه مدعی است. شاید مدعی محترم، به سیاق اظهارنظر خود در موضوعات متنوع در حوزه‌های مختلف انتظار دارند که دیگران هم در هر موضوع متفاوت با مهارت خود ورود پیدا کنند. معلوم نیست او اساسا با چه مستنداتی این مجموعه بزرگ را که به خود اجازه ابراز نظر غیرتخصصی رسانه‌ای و ژورنالیستی نمی‌دهند، از مخالفان محصولات تراریخته تلقی می‌کنند که مثلا از ترس سکوت کرده‌اند؟ اگر کسی بنا باشد از ترس سکوت کند، کسانی هستند که با نیم‌نگاهی به سرنوشت استاد خود که از قضای حادثه شرف مجاهدت در جبهه‌های نبرد حق علیه باطل را داشته و ولایت‌مداری از خانواده معظم شهداست، تقیه کنند. مگر مدعی محترم تاکنون در محدوده نقد برنامه‌های این دولت چه خط قرمزی را دیده‌اند که انبوه این دانشمندان به نظر خود ساکت را از ابراز نظر درباره تراریخته ترسیده نشان می‌دهند؟ مگر نه اینکه ایشان تاکنون از طیف زیادی از خبرگزاری‌های متعدد، روزنامه و سخاوت‌های رسانه ملی برای این مخالفت‌ها بهره‌مند بوده و هنوز هستند؟ آیا روی گشاده روزنامه «شرق» در همین مصاحبه نشان از تداوم این برخورداری‌ها نیست؟ مگر تا دیروز از حمایت‌های بی‌دریغ رئیس سازمان حفاظت محیط زیست سابق بهره‌مند نبوده و نمایشگاه و همایش‌های انجمن خود را با کمک‌های مالی آن سازمان و در سایه طعن و لعن محصولات تراریخته تدارک ندیده‌اند؟ اساسا با چه مستنداتی فضای این اختناق را به خاک آمریکا تسری داده‌اند؟ خود ایشان که سابقه ممتد در مخالفت با محصولات تراریخته را دارند، تاکنون به کدام دادسرا احضار شده‌اند؟ بالعکس، آیا خود ایشان نبودند که اظهارنظر مرجع ملی ایمنی زیستی درباره «غیر علمی‌بودن انجمن ارگانیک که کارش خرید و فروش محصولات ارگانیک است و گاهی محصولات غیرارگانیک را به نام محصولات ارگانیک می‌فروشند» را برنتابیده و علیه او در دادسرای رسانه شکایت کرد؟ عجیب است که ایشان دیگران را به ایجاد جو خفقان و ارعاب متهم کنند. آیا این شیوه استدلال و نوعی مظلوم‌نمایی را می‌توانیم بحث علمی تلقی کنیم؟ اگر واقعا انبوه مخالفان و تنها از روی ترس در برابر توسعه مثلا بیماری سرطان (به نظر ایشان) هم‌وطنان خود سکوت کرده‌اند نباید سکوت آنان را به‌عنوان مشارکت در جرم محسوب کرد؟ نام‌برده اما در یک چرخش سریع بلافاصله با دفاع از توسعه علم و فناوری بیوتکنولوژی اعلام می‌دارد به شرط تأیید سلامت و بی‌خطربودن این محصولات مخالفتی نخواهد داشت. از ایشان باید پرسید واقعا چه کسی با نظارت قانون‌مند و سیستمیک در مصرف غذای جامعه مخالف است که او آن را تنها به مواضع خود الصاق کرده است؟ نه‌تنها محصولات تراریخته بلکه همه فراورده‌های غذایی و ازجمله محصولات ارگانیک باید تحت نظارت وزارت بهداشت و هدایت شورای‌عالی ایمنی زیستی قرار گرفته و به وسیله دستگاه‌های متولی تأیید شوند.

البته پرسش‌ها و حیرت‌های زیادی از نوسانات این مواضع چه در دفعات متعدد و چه حتی در یک مصاحبه وجود دارد. اینکه این دوستان چطور دولتی را که با حمایت اکثریت مردم برگزیده شده است؛ اما درصدد گسترش سرطان برای آنان است و چرا در برابر چنین نسل‌کشی (به نظر ایشان) تنها معدودی شجاع مانند ایشان با گفتار و نوشتار و جمعی نیز با سکوت به اعتراض نشسته‌اند؟ یا اینکه چگونه و با چه سازوکاری و بدون کلی‌گویی مدیریت بخش کشاورزی را که با وجود منابع محدود در تلاش تأمین غذا برای ۸۰ میلیون نفر است، به تولیدهای لوکس ارگانیک (محصول پرسود برای تجارت او و شرکایش) ارشاد می‌فرمایند؟ اگر این مدیریت تنها بخواهد با سن گندم درحال‌حاضر مبارزه نداشته باشند، آیا برای پیامدهای کوتاه‌مدت آن راه‌حلی ارائه می‌دهید؟ پرسش‌هایی که البته هرکدام مجال و امکان بیشتری برای توضیح و بحث می‌طلبد. تنها توصیه‌ام به دوستان منتقد که بسیاری از آنها قطعا دغدغه‌های ملی نیز دارند، این است که ای‌کاش با پراکندن کابوس و ترس از سرطان و بیماری‌هایی که در تخصص ما نیست، بیش‌ازاین بر رونق و معیشت خود نیفزاییم؛ چراکه ما تنها دلسوزان این سرزمین نیستیم. به‌خاطر داشته باشیم این شیوه دلواپسی به بهانه سلامت جسم مردم با تازیانه ترس و وحشت بر روحشان می‌کوبد.

*** عضو هیئت‌مدیره انجمن علمی ایمنی زیستی کشور**

نگاه

کتاب‌های درسی وجاخالی‌دادن به منتقدان

محمدرضا نیک‌نژاد . آموزگار

● سخنان رئیس‌جمهور در نقد کتاب‌های درسی در آغازین روز سال آموزشی زمینه گفت‌وگوهای گسترده‌ای دراین‌باره را فراهم کرد و جامعه را به‌درستی و بیش از گذشته به درونمایه‌های آموزشی حساس کرد. اینکه کتاب‌های درسی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ابزارهای آموزشی چندمین اولویت در مسیر بهسازی آموزشی است، به چگونگی گام‌برداشتن در مسیر بهسازی بستگی دارد اما نباید فراموش کرد که ناکارآمدی یک ساختار، آن هم در ساختاری به پیچیدگی آموزش‌وپرورش، تک‌عاملی نیست و بنابراین با بهسازی تک‌بعدی نمی‌توان ناکارآمدی آن را کامل از میان برداشت. شاید بتوان گفت که به‌روزنبودن و ناکارآمدی کتاب‌های درسی، پیامد سیاست‌های ناکارآمد بنیادینی است که یکی از آنها می‌تواند نگاه کمی به آموزش و دوری از هدف‌های نوین آموزشی باشد. تا هدف‌های نوین آموزشی مانند پرورش شهروندان سنجشگر، اخلاقی و کنشگر با نگاهی جهانی و... دغدغه کل جامعه نباشد، تغییر بهینه کتاب‌های درسی نمی‌تواند کارساز باشد. برطرف‌کردن دل‌نگرانی‌های رئیس‌جمهور نیاز به همکاری درون و بیرون‌سازمانی دارد که البته دستگاه اجرائی با مدیریت ایشان یکی از تأثیرگذارترین‌ها خواهد بود. اما نکته شگفت‌آور در این زمینه سخنان محی‌الدین بهرام محمدیان معاون پژوهشی وزیر آموزش‌وپرورش و رئیس درازمدت دفتر تألیف کتاب‌های درسی بود. ایشان به ایرنا می‌گویند «وظایف این وزارتخانه ناظر به آینده است و نباید در تولید کتاب‌های درسی واپس‌گرا باشیم... . سخنان رئیس‌جمهوری مبنی بر تربیت دانش‌آموزان برای آینده کاملا درست است زیرا ما باید نسل را برای ۲۰ سال بعد تربیت کنیم.... فعالیت‌های انجام‌شده در رابطه با تغییر محتوای کتاب‌های درسی در قالب گزارش مفصلی در اختیار وی قرار داده می‌شود و به‌طور قطع دریافت نظرات دکتر روحانی برای آموزش‌وپرورش بسیار راهگشا خواهد بود». بهرام محمدیان سال‌هاست که یکی از مدیران ارشد سازمان پژوهش‌های آموزش‌وپرورش و همچنین سال‌ها مدیر مستقیم دفتر تألیف کتاب‌های درسی بوده است. نقد رئیس‌جمهور بیش از هر چیز ایشان و سیاست‌های چندین‌ساله‌اش در دفتر تألیف را هدف گرفته و می‌گیرد اما... . به هر روی گام نخست تغییر در هر زمینه‌ای پذیرش لغزش‌ها و خطاهای گذشته است؛ نه همراه‌شدن با نقدها و منتقدان! امروز بیش از هر زمانی و پیش از هر کسی، ایشان و سازمان پژوهش‌های آموزش‌وپرورش و دفتر تألیف باید پاسخ‌گوی ناکارآمدی کتاب‌های درسی باشند. پس از پذیرش چنین خطاهایی است که شاید بتوان آنها را بهتر شناخت، از آنها درس گرفت و تجربه اندوخت، راه‌های تازه را یافت و به سوی بهسازی گام برداشت.

خبر

ارسال رایگان کمک‌های مردمی

● با توجه به وقوع حادثه زلزله اخیر و خسارات وارده به هم‌میهنان عزیزمان، تیپاکس مانند گذشته آمادگی خود را برای ارسال رایگان کمک‌های مردمی به شهرهای زلزله‌زده اعلام می‌دارد. برای هماهنگی لطفا با شماره‌های زیر در تماس باشید: ۰۲۱-۸۴۵۷ داخلی ۶ واحد روابط‌عمومی ۰۹۱۰۲۹۶۹۶۴۶

جدول ۲۹۷۰ ■ طراح: بیژن گورانی

افقی:

۱- فاقد ظرافت و تناسب لازم- از دانشمندان بزرگ جهان اسلام در قرون چهارم و پنجم و صاحب کتاب المناظر- تکرار حرفی ۲- پسوند نسبت- پیوند زناشویی- چیره‌دست ۳- طبخ غذا- دوست صمیمی- رمانی نوشته رضا امیرخانی ۴- خطا- محل فیلم‌برداری ۵- سرمایه جاودانی است- دریاچه‌ای در ترکیه- طبیعت ۶- از علوم تحصیلی- زبان کوچک- ابزار دروکردن ۷- تکیه‌گاه پای دوچرخه‌سوار- سارق، دزد- عید ویتنامی‌ها ۸- ادوات- شکرگزاری- سروش آسمانی ۹- خشکی- ایالتی در آمریکا- از شبکه های رادیویی پرمخاطب ۱۰- اسب چاپار- شرم و حیا- داستان دنباله‌دار که در نشریات چاپ می‌شود ۱۱- سرمه- ماچ- کلمه پرسش ۱۲- شهری در لرستان- سقط جنین ۱۳- بلندمرتبه- رشته باریک و دراز- پیچیدگی ۱۴- شهری کوچک در حوالی تهران- غربی‌ترین کشور اروپایی- بله روسی ۱۵- درون صدف- اداره آگاهی در قدیم - آتشگیره.

عمودی:

۱- زیان رساننده- تابلوی تبلیغاتی بزرگ ۲- خلق‌وخو- پایتخت ترکیه- شهری در استان کرمان ۳- سال گذشته- زاده‌شده ۴- معادل فارسی حمله- بعد از مهر- زیبایی و آراستگی ۵- از میوه‌های روغنی- هنر ششم- رمق آخر ۶- نام ترکی- زمین کشاورزی بی‌مصرف‌مانده- حرکت باد یا نسیم ۷- باد و باران- عابد نصرانی که از نبوت حضرت محمد(ص) در کودکی خبر داد- صوت اندوه و افسوس ۸- کیسه مشک در زیر شکم آهوی ختایی- پشت‌سر امام جماعت نماز می‌گزارد- حادث‌شونده ۹- جداگانه تلفظ‌کردن- رمان معروف محمود دولت‌آبادی - شهری در ترکیه ۱۰- از اسباب تدخین- نوعی ماهی استخوانی آب‌های شیرین- لنگه در و پنجره ۱۱- حرف عطف عربی- بی‌ارزش و بی‌مصرف- درگاه ۱۲- ثروتمند- سگ کودکانه- به‌هیچ‌وجه ۱۳- پایه و اساس- رنگین‌کمان ۱۴- بددهن- به طور ناگهانی و بدون پیش‌بینی- تربیت صحیح ۱۵- افول- کشوری نیمه کوهستانی در جنوب شرقی آسیا.

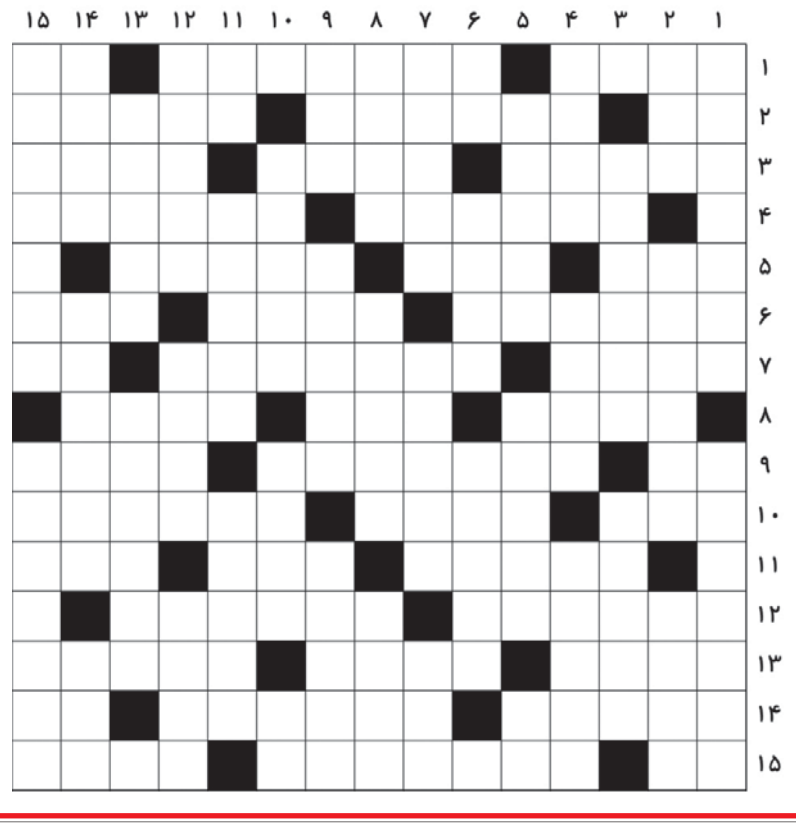

حل سودوکو سخت

۷	۹	۶	۱	۲	۴	۸	۳	۵
۱	۲	۸	۵	۳	۹	۷	۴	۶
۵	۳	۴	۸	۷	۶	۹	۱	۲
۶	۴	۲	۹	۵	۷	۱	۸	۳
۳	۱	۷	۲	۴	۸	۶	۵	۹
۹	۸	۵	۳	۶	۱	۴	۲	۷
۲	۷	۱	۶	۸	۵	۳	۹	۴
۸	۶	۳	۴	۹	۲	۵	۷	۱
۴	۵	۹	۷	۱	۳	۲	۶	۸

حل سودوکو ۱۹۶۵

۶	۱	۲	۳	۹	۵	۴	۷	۸
۳	۷	۴	۸	۲	۶	۵	۱	۹
۹	۵	۸	۴	۱	۷	۲	۶	۳
۲	۹	۵	۷	۶	۴	۸	۳	۱
۱	۸	۷	۹	۳	۲	۶	۵	۴
۴	۳	۶	۱	۵	۸	۷	۹	۲
۵	۴	۱	۲	۷	۹	۳	۸	۶
۷	۲	۹	۶	۸	۳	۱	۴	۵
۸	۶	۳	۵	۴	۱	۹	۲	۷

جدول ۲۹۶۹

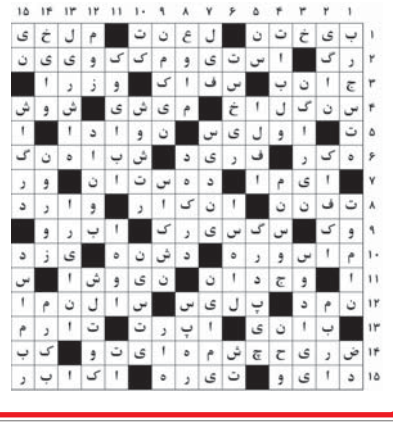

سودوکو سخت ۱۹۶۶

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

	۳			۱	۶			
۷			۹	۳				۶
		۶	۲			۴		
				۸		۱	۶	
	۷	۸		۲			۹	
۳						۸	۴	
		۹		۵				
۵		۳		۴			۷	
			۶	۹		۲	۵	

سودوکو ۱۹۶۶

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

			۷		۶		۲	۴
	۲	۶			۱	۷		
۷				۲	۵		۸	۱
			۲		۳	۸		۹
۳		۹	۵	۱	۸			
۲			۹	۴		۵		۳
۶	۸		۱			۹		۷
	۳				۲	۱		
۵	۱			۸			۶	